

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه با کبرا سلطانی

۱۸ سپتمبر ۲۰۲۰

مصاحبه برنامه "باهم" تلویزیون کانال جدید با "کبرا سلطانی" در مورد بازگشت طالبان و مسأله زنان در افغانستان

سیامک بهاری: بازگشت طالبان به قدرت سیاسی به چه صورت ممکن خواهد شد؟ جامعه شاهد تشکیل امارت اسلامی خواهد بود؟

کبرا سلطانی: طالبان با ایجاد ترس و ارباب توانسته اند به لحاظ روانی فضاء را در افغانستان تحت تأثیر قرار داده و عملاً خود را به عنوان یک قدرت سیاسی غالب معرفی کنند که گویا می توانند با ابزار جنگ و نظامی گری به قدرت برسند و از جانی با حمایت امریکا و کل ارتجاع منطقه، زمینه سازی برای بازگشت طالبان و سهم کردن آنها در قدرت سیاسی در افغانستان در جریان است، ولی به باور من احياناً بازگشت طالبان به قدرت سیاسی مانند دهه ۹۰ نخواهد بود.

گرچه محاسبات رهبران طالب با در نظر داشت زمینه سازی کشورهای درگیر معامله و دولت ضعیف و فاسد افغانستان برگشت دوباره امارت اسلامی است ولی واقعیت این است که طالبان همان نیرو های دهشت افکن پراکنده ای هستند که حتی یک پایگاه ثابت نظامی ندارند و فقط در روستا ها بنا بر مشترکات اتنیکی جا به جا شده اند و فقط در سطح یک گروه تروریستی می توانند فعالیت کنند. این گروه قادر به مدیریت و برنامه ریزی منسجم نظامی، سیاسی، مالی و امنیتی برای افغانستان نیست لذا قدرت مدیریت و کنترل اوضاع را در افغانستان ندارند، ثانیاً همانقدر پشتوانه نظامی سیاسی طالبان به دست سرمایه داری جهانیست که از دولت افغانستان است، ثالثاً طالبان پایه توده بی ندارند مخصوصاً زنان و جوانان و روشنفکران جامعه مانع بزرگی بر بازگشت عصر تحجر و ایجاد امارت اسلامی در افغانستان است. همین اکنون درصد بالای جامعه از آزادی زندانیان تبهکار طالبی که در کشتار، ترور، ادمربائی، تجاوز، انفجار و ذرع و خرید و فروش مواد مخدر سهمیه بوده اند شدیداً ناراض اند، لذا به باور من افغانستان وارد یک جنگ فرسایشی دیگر خواهد شد تا مستقر شدن امارت اسلامی طالبی.

سیامک بهاری: در ترکیب هیأت مذاکره با طالبان زنان هم گنجانیده شده اند. آیا اصولاً در این ترکیب باید شرکت کرد؟
کبرا سلطانی: ببینید فلسفه اسلام طالبی برگشت به اصل اسلام است یعنی عصر تحجر ۱۴۰۰ سال پیش، طالبان از دشمنان سرسخت آزادی زنان در جامعه اند آنها بودن زن در جامعه را عامل شر و فساد می دانند اجازه دهید یک اشاره

کوتاه در زمان قدرت امارت اسلامی طالبی در دهه ۹۰ در افغانستان داشته باشیم، در این دوره مکاتب دخترانه به آتش کشیده شد، مکان زنان به صورت رسمی گوشه آشپزخانه تعیین شد و زنان بدون مرد محرم حق خروج از خانه را نداشتند، مکان های فروش مواد کازموتیک و فیشن برای زنان مسدود شد. مأمورین امر به معروف و نهی از منکر طالبان در جاده ها مسوول لت و کوب زنان بود اگر رنگ برقه آنها غیر از آبی و سفید می بود لت و کوب می شدند. طالبان زنان را در ملا عام تیرباران و قصاص می کردند، میدان فوتبال (غازی استدیوم) به قتلگاه زنان تبدیل شده بود، برقه به پوشش اصلی زنان تبدیل شده بود، در قسمت بهداشت و تداوی، دوکتوران مرد حق معاینه و تداوی زنان را نداشتند و در واقعات حیاتی معاینات و تداوی و تزریق از روی پوشش بر زنان صورت می گرفت خلاصه در طی استبداد ۵ ساله متحجرین طالبی تا سال ۱۳۸۱ فعالیت زنان در جامعه حذف شدند، امروز هم طالبان حضور زنان را روی احکام اسلامی به نوع خودشان می خواهند، آنها قانون اساسی افغانستان را ملغا دانسته خواستار تعدیلات بزرگ و جدی در قوانین و مدیریت در جامعه بعد از حضور در قدرت سیاسی اند.

من در عجبم بر این زنان که طالبان حتی وجود شان را در جامعه عامل شر می دانند در مذاکره با آنها از کدام حقوق و برابری صحبت می کنند فکر کنید بلقیس روشن نماینده ولایت فراه از حق آزادی بیان و ابراز نظرش در لویه جرگه نمایشی قبیله استفاده کرد با مشت و لگد استقبال شد و در حضور تکنوکرات های به اصطلاح لیبرال با ریک ترین الفاظ از طرف مردان متحجر قبیله روبه رو شد. این زنان آنجا هم حضور داشتند حتی یکی هم نگفت چرا؟

فراموش نکنید همین عروسک های بی زبان و نمایشی در سوار کردن منفورترین چهره ضد زن گلبدین حکمتیار بر گرده مردم و آزادی بیش از ۳ هزار جنایتکار جنگی او هم حضور داشتند.

و این بار بیشرمانه تر و با خفت و پر روئی برای بازگشت امارت اسلامی طالبان و سهم کردن آن در قدرت سیاسی بر خونهای رخشانه ها پا می گذارند.

سیامک بهاری: مقابله با بازگشت طالبان را چگونه باید سازمان داد؟

کبرا سلطانی: واقعیت اینست که اکثریت بزرگ مردم افغانستان از طالبان در نتیجه قساوت ها و اعمال غیر انسانی شان نفرت دارند یعنی اکثریت بزرگ زنان، جوانان و توده های مردم هم از جنگ و هم از طالبان بیزار اند ولی با تأسف چیزی که درین جا غایب است میکانیزم کشیدن این نیروی عظیم در میدان مبارزه به صورت منفق، یکدست و به صورت بالفعل است. عوامل بازدارنده تشکیل این چنین جنبش با تأسف در قدم اول پدیده ناسیونالیزم است که مانع بسیج توده های وسیع دور یک پلاتفرم مشترک به خاطر حقوق انسانی شان می گردد، موانع دیگر مثل موانع سمتی و حزبی و عقیدتی است که این موانع نه تنها در داخل افغانستان بلکه در خارج از مرزها هم افغانها را در گیر کرده است.

از جانب دیگر دولت افغانستان هیچ گاهی واقعیت طالبان را به عنوان یگ گروه اجیر و جنایتکار بر ملا نساخته و همواره از آن ها به نام اپوزیسیون، برادران نا راضی فُح زدائی کرده که این باعث گردیده است که طالبان از یک گروه تروریست وحشی و اجیر به یک گروه جدی سیاسی مشروعیت داده شود و در قضایای افغانستان سهم کردند لذا بدین منظور لازم است تا با روشنگری هویت اصلی طالبان که همان گروه وحشی و اجیری است که در ایام فراغت با سرهای بریده شده سربازان فوتبال بازی می کنند و رهبران شان برای اندوختن یک سکه بیشتر از پست ترین اعمال دریغ نمی کنند ائتشاء گردد. ضمناً بسیج زنان در یک جبهه واحد برای تأمین حقوق انسانی شان و پرده برداری از عقاید عصرحجری این گروه فاشیست در قبال نصف جامعه بشری در افغانستان در اولویت قرار دارد.

امروز زنان و همه توده های خسته از جنگ به یک صلح واقعی نیاز دارند کارگران بی پناه افغانستان از کشتار و جنگ های نیابتی نیروهای ارتجاعی به ستوه آمده اند. بهبود شرایط زندگی مردم و تأمین آزادی و رفاه که خواست کارگران و

قشرهای محروم جامعه است و همچنین رفع تبعیض و رهایی زنان بدون شکل گیری یک آلترناتیو نیرومند کارگری و سهم بارز زنان در آن، نمی تواند تحقق یابد که به یقین راه درازی در پیش است.